info@payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۱۴۸۴
دوشنبه / ۲۲ مهر / ۱۳۹۸
۱۵ / صفر / ۱۴۴۰
14 / Oct/ 2019

صاحب امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: باهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون گارشناسان، رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۵۲۸۳۸-۳۲۵۳۴۴۳۳-۰۲۶ فکس ۳۲۵۵۲۸۳۸
فکس اینترنتی پیام آشنا: ۰۲۱-۸۹۷۸۶۷۳۹
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۴۲/۴۶
چاپ: کارگر

کافه پیام

برای انعکاس نظرات و گلایه ها و پیشنهادات خود درباره مسائل البرز با پیام آشنا تماس بگیرید

۳۲۵۵۲۸۳۸
۳۲۵۴۱۴۹۵
۰۹۰۱۴۰۴۸۳۳۳

تلنگر

انتقاد محمدعلی بهمنی از ترانه های سخیف تلویزیون

محمدعلی بهمنی، شاعر و ترانه‌سرا در مراسم روتمایی از آلبوم «قاصدک» گفت: این روزها ترانه‌هایی را می‌شنویم که سطح آن بسیار پایین است و متاسفانه بسیار هم شنیده می‌شوند.

به گزارش پیام آشنا به نقل از دنیای اقتصاد، به حال ترانه امروز کشور باید گریه کرد.

او ادامه داد: متاسفانه پای این قطعات که ترانه‌های سخیفی هم دارند به تلویزیون هم باز شده است. کشور ما ترانه‌های قشنگی را در فرهنگ خود دارد و مایه تاسف است که امروزه به این سطح رسیده‌ایم. وزارت ارشاد باید برای ترانه‌سرایان جوان کلاس‌های ترانه برگزار کند تا شاید بتوانیم کمی از این وضع خارج شویم. البته اگر خیلی رک بخواهم صحبت کنم من این موضوع را از چشم شرکت‌های موسیقی می‌بینم که نه تنها روی ترانه قطعات نظارت ندارند و درخواست ترانه خوب از ترانه‌سرا نمی‌کنند، بلکه گاهی آنها را مجبور به گفتن چنین ترانه‌هایی تیز می‌کنند.

با شعرای کرج

شیدایی

جان را چه کنم بی تو، دای مایه شیدایی
دادی تو پری وش را حالِ خوش و رویایی

افتاده ام از چشمت، دل تنگ و دو چشمم تر
مخمور و حزین جانم در محبس تنهایی

دریا که تمی میرم، زین حال تفس فرسا
زنهار ز هجرانم، جان را تو تمنایی

این مایره قسمت بر من چه روا دارد؟
بی تو چه کنم با دل ای روح مسیحایی؟

در بتد تمم تا کی؟ بر جام و قدح کو می؟
ای جانِ مرا چون جان وقت است که باز آیی

پری وش قیروزبخت

خبرچه

مزایده تابلوهای نقاشی شاهپازه هنرمند!

پنجاه و پنج تابلوی نقاشی از شاهپازه‌های که آثار هنری‌اش پیش‌تر توسط نقاشان بزرگی همچون «پابلو پیکاسو» و «خوان میرو» نگهداری می‌شد، در لندن به مزایده گذاشته می‌شوند. «هزموند موریس» رئیس انجمن نقاشی که مجموعه تابلوهای نقاشی شاهپازه هنرمند را در اختیار دارد، قصد دارد این ۵۵ تابلوی نقاشی را در «گالری مایر» (Mayor Gallery) واقع در لندن به فروش برساند.

به گزارش پیام آشنا به نقل از ایسنا، قیمت تخمینی هر کدام از تابلوها بین ۱۵۰۰ تا ۶ هزار پوند تعیین شده است. این شاهپازه هنرمند که با نام «کنگو» شناخته می‌شود، در دهه ۵۰ میلادی با حضور در یک برنامه تلویزیونی به نام «زمان بالغ حش قرار رسیده است» به شهرت جهانی رسید این شاهپازه در طول سه سال، بیش از ۴۰۰ تابلوی نقاشی در سبک امپرسیونیست انتزاعی خلق کرد. حالا پس از گذشت ۵۰ سال از درگذشت «کنگو» هنوز نقاشاه برای خرید آثارش وجود دارد در طول سال ۲۰۰۵، سه تابلوی نقاشی از این شاهپازه به قیمت باورنکردنی ۱۴ هزار پوند در حراجی بونهاز لندن توخرته شدند در آن زمان قیمت کلی این سه اثر بین ۶۰۰ تا ۸۰۰ پوند تخمین زده شده بود. «جیمز مایر»، مدیر گالری «مایر» درباره آثار «کنگو» بیان کرد: «مردم حتما فکر می‌کنند «کنگو» فقط می‌توانست کافذ و قلم را دست بگیرد اما حقیقت آن است که او پیش از نقاشی کشیدن فکر می‌کرد. او شگفت‌آور بود.» مزایده این آثار در ماه دسامبر آغاز خواهد شد.

از تمام خوانندگان پیام آشنا می خواهیم، یکی از مهم ترین مشکلاتی که در محله یا زندگی خود با آن دست به گریبان هستید برایمان پیامک کنید تا در ستون «پیامک های وارده» با نام تان- در صورت تمایل- منتشر شود.

SMS
۳۰۰۰۹۵۲۶۰۲۶۰

فال روز

امروز با حافظ

به آهوان نظر شیر آفتاب بگیر
به ابروان دوتا قوس مشتری بشکن
چو عطرسای شود زلف سنبل از دم باد
تو قیمتش به سر زلف عنبری بشکن
چو عندلیب فصاحت فروشد ای حافظ
تو قدر او به سخن گفتن دری بشکن

خبرک

روزی هزار بار بخوانم کتاب صبر
گوشم به توست لاجرم از برنمی‌شود

خاقانی

اذان

اوقات شرعی فردا

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۴:۳۰	۰۵:۵۶	۱۲:۰۰	۱۸:۰۳	۱۸:۲۰

برگه

آنچه مردم را دانشمند می کند، مطالبی نیست که می خوانند بلکه چیزهایی است که یاد می گیرند.

فرانسیس بیکن

تلنگر

هشدار نسبت به فرسایش سالانه یک میلیارد تن خاک کشور

معاون پژوهشکده حفاظت خاک و آبخیزداری وزارت جهاد کشاورزی از فرسایش سالانه یک میلیارد تن خاک ایران خبر داد.

به گزارش پیام آشنا، دکتر محمود عرب خدری گفت: میزان فرسایش خاک در کشور ما بسیار زیاد است و باید فکری به حال آن کرد.

وی با بیان اینکه در حوزه مباحث آبخیزداری طبق قانون برنامه ششم توسعه در دو مورد مهم شامل کاهش فرسایش خاک و مشارکت در تغذیه آبخوان‌ها دو وظیفه عمده بر عهده متولیان امر گذاشته شده است افزود: فرسایش خاک در کشور موجب شسته شدن خاک های حاصلخیز، ورود این خاک‌ها به رودخانه و سدها، کاهش تولیدات و تیز ضعیف شدن خاک می‌شود. ضمن اینکه از طرف دیگر این وضعیت موجب گل آلود شدن رودخانه و پر شدن مخازن سدها و تاثیر منفی بر بهره‌برداری از آبهای زیرزمینی می‌شود.

او گفت: اکنون حدود ۷۰۰ هزار حلقه چاه در کشور داریم که ۲۰۰ هزار حلقه از این تعداد غیر مجاز هستند و به دلیل بهره‌برداری بیش از اندازه از آبهای زیرزمینی، فرونشست زمین در دشت‌ها تیز به مشکلات افزوده شده است.

عرب خدری ادامه داد: این وضعیت سبب شده است سطح آبهای زیرزمینی فاقد شدید پیدا کند و برخی دشت‌ها به عنوان دشت ممنوعه شناخته شوند.

وی با بیان اینکه بیشتر فرسایش در اراضی کوهستان و شیب‌دار است گفت: در این راستا تکنیک‌هایی توسعه داده شده که بتوان بر پوشش گیاهی این اراضی افزود زیرا هر چه پوشش گیاهی بیشتر شود، از فرسایش خاک جلوگیری شده و جمع‌آوری آب باران نیز بیشتر می‌شود.

وی با بیان اینکه ایران کشوری است که عمده آن خشک و نیمه خشک است افزود: پوشش گیاهی ضعیف در اراضی شیب‌دار و برخی مناطق کوهستانی موجب می‌شود فرسایش خاک در این مناطق بیشتر باشد و به همین دلیل بر روی استحصال آب باران از طریق روش پخش سیلاب در آبخوان تمرکز شده است.

عرب خدری گفت: آبهای سیلابی با رسوب بسیار و شدت فراوان موجب تخریب زیاد می‌شود و می‌توان با احداث بند در مسیر رودخانه‌ها و منحرف کردن مسیر سیلاب آن را به سوی عرصه‌های فاقد پوشش گیاهی هدایت کرد.

وی گفت: در این راستا هم اکنون ۲۷ ایستگاه پخش سیلاب یا آبخوان در کشور داریم که طی ۲۰ سال گذشته ۲ میلیارد متر مکعب آب از این طریق ذخیره شده است که یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون متر مکعب آن به تغذیه آبخوان‌ها رسیده و بقیه صرف تولید پوشش گیاهی منطقه شده است.

وی ادامه داد: طبق برآوردهای انجام شده این شیوه تاثیر بسیار خوبی در تغذیه آبهای زیرزمینی دارد و دهها برابر از روش سدسازی ارزان‌تر است.

معاون پژوهشکده حفاظت خاک و آبخیزداری با بیان اینکه سالانه ۲ تا سه متر از آب سدها تبخیر می‌شود افزود: با هدایت آب به زیر زمین از تغطیر، آلودگی و هر گونه خسارت به آن جلوگیری شده و به تغذیه قنوات کمک می‌شود.

گزارش

چرا برای کتاب حوصله نداریم؟

بی‌حوصلگی، آفتی است که بسیاری از افراد جامعه را از شروع مطالعه یک کتاب یا ادامه خواندن آن بازمی‌دارد.

به گزارش پیام آشنا به نقل از ایسنا، صفحات کتاب را ورق می‌زنی و طرح جلد و توضیحات پشت جلد کتاب را نگاه می‌کنی. تمام سعی‌ات بر این است که حواست به متن کتاب باشد ولی انگار با نوشته‌ها بیگانه‌ای. فکرت به همه چیز است به‌غیر از متن کتاب. با خواندن چند سطر از کتابت حسی در درونت می‌گوید: «بس است! مطالعه را تمامش کن!» یا این حس و حال مقاومت می‌کنی ولی گویا تمام عناصر بدنت یک صدا به‌غیر از مطالعه کتاب پرداختی. حس سبکی و راحتی در درونت موج می‌زند این داستان اکثر افرادی است که به قول خودشان، تمایل به مطالعه کتاب دارند ولی به‌محض شروع مطالعه این حس و حال به آن‌ها دست می‌دهد به قول خودشان دلیل این بی‌حوصلگی را نمی‌دانند ولی مهم‌ترین دلیل مطالعه نکردن را همین امر می‌دانند.

هرچند همگی ما به اهمیت و فواید مطالعه واقف هستیم ولی باین‌حال یا سراغ مطالعه نرفته یا اگر و فتایم میزان مطالعه‌مان کم است. به دلیل این تمایل نداشتن، بارها و بارها در برنامه‌ها و مقالات متعدد پرداخته‌شده است. عدمای قیمت بالای کتاب و عدمای فرهنگ‌سازی نکردن برای مطالعه را عامل آن می‌دانند ولی کمتر به عامل بی‌حوصلگی و دلیل آن پرداخته‌شده است. ایسنا در گزارش پیش رو دلیل عدمای از افراد جامعه را درباره بی‌حوصلگی به امر مطالعه جویا شده است.

بی‌توجهی به تناسب روحیه و موضوع کتاب

امین، ۲۵ سال دارد و متنظر آمدن مترو است. با او از بی‌حوصلگی برای کتاب می‌گویم و او با این پاسخ همراهی‌ام می‌کند: دلیل این بی‌حوصلگی انتخاب نکردن یک کتاب درست است. هر شخصی بنا به شخصیت و دقدقه‌هایی که دارد باید کتاب متناسب با روحیات خود انتخاب کند تا از مطالعه آن لذت ببرد. او ادامه می‌دهد: متأسفانه اکثر افرادی که برای خرید کتاب به کتابفروشی مراجعه می‌کنند، انتخاب کتاب مورد نظرشان بر اساس تبلیغات و تعریف دوستانشان است و در خوش‌بینانه‌ترین حالت ممکن اگر فرد بخواهد کمی حرفه‌ای‌تر عمل کند، به تام نویسنده، تعداد چاپ و جایزه‌ی که آن کتاب دریافت کرده توجه می‌کند. درصورتی که ممکن است کتابی که با توجه به این مشخصات خریداری می‌کند متناسب با روحیات و دقدقه‌های فعلی او نباشد. این جوان، با بیان اینکه کتاب هم همچون لباس باید بر اساس فصل انتخاب شود، می‌گوید: هر فرد باید به شناخت و خودآگاهی برسد تا زمانی که تصمیم می‌گیرد کتابی را خریداری کند روحیه و حس خود را ملاک قرار بدهد. متأ‌ٔ اگر فردی به دلیل فشارهای کاری و اجتماعی نیازمند شادی و هیجان است، قطعاً خرید یک رمان پیچیده روسی که مربوط به انقلاب روسیه است، نمی‌تواند این حس شادی و هیجان را برای وی تأمین کند و فرد پس از مطالعه چند صفحه از چنین کتابی درمی‌یابد که داستان کتاب برای او لذت‌بخش و گیرا نیست، بنابراین از ادامه مطالعه کتاب منصرف می‌شود.

درنقد سیستم پادائی

خانم جوانی که روی صندلی مترو نشسته و در حال مطالعه کتاب است، بعد از شنیدن حرف‌هایم، جلد کتابش را به من نشان می‌دهد. بر روی جلد کتاب نوشته: «چگونه رئیس خود را متقاعد کنیم» او می‌گوید: متأسفانه همه ما یا بهتر است بگویم اکثر ما ایرانیان، شرطی شده‌ایم؛ یعنی تا کاری برای ما نفع نداشته باشد، سراغ آن نمی‌رویم. مطالعه کتاب هم چون در ظاهر تغییرات مثبت و چشمگیری در زندگی فرد تداوم و تغییرات آن سریع یا در زمان معین اتفاق نمی‌افتد، برای فرد کسالت‌بار است.

این خانم ادامه می‌دهد: ما ایرانیان سالیان سال است به سیستم پاداش عادت کرده‌ایم و تمایل داریم کاری را انجام بدهیم، که همان موقع پاداش آن را بگیریم. این امر یا مطالعه کتاب هیچ‌وقت اتفاق نمی‌افتد، زیرا کتاب یک محصول فرهنگی است و اثربخشی محصولات و کارهای فرهنگی در درازمدت اتفاق می‌افتد.

او می‌افزاید: به دلیل همین نگاه عجولانه، فرد در حین مطالعه، مانام وسوسه می‌شود که به کارهای سودآور دیگری بپردازد و میلی به کتاب خواندن برایش باقی نمی‌ماند.

بی‌حوصلگی بلای عام است

با مردی میانسال وارد گفتگو می‌شوم که دارد پیامهای تلگرامش را چک می‌کند. خود را پدر سه فرزند معرفی می‌کند. او این می‌گوید که حقوق بازنشستگی کفاف زندگی‌اش را نمی‌دهد و مجبور شده برای تأمین مخارج زندگی به شغل دوم روی بیاورد. از کتاب و حوصله که می‌پرسم، پاسخ می‌دهد: انقلاب ماتسبت به سال‌های گذشته بی‌حوصله‌شده‌ایم. او بی‌حوصلگی برای صحبت با فرزندان گرفته تا دیدار با فامیل و آشنایان، همه ما هم دلیل این بی‌حوصلگی را به خوبی می‌دانیم؛ وقتی فرد در تأمین مایحتاج زندگی‌اش متکل داشته باشد، تباید توقع داشته باشیم تمایلی برای مطالعه برای او باقی بماند.

او ادامه می‌دهد: من در این دو سال اخیر حتی یک روزنامه و مجله هم نخوانده‌ام. چه برسد به کتاب. دلیلش هم واضح است. هر وقت می‌خواهم کتابی را مطالعه کنم، با خود می‌گویم چه فایده‌ای دارد؟ در طول دوران تحصیل و دانشگاه این همه مطالعه کردی فایده داشت؟ فکر می‌کنم مطالعه کتاب‌های زیاد مهم نیست، مهم این است که یک بخوانی و بتوانی آن را در زندگی فردی و اجتماعی‌ات به کار بگیری.

متن‌های طولانی، قاتل حوصله‌اند

از خانمی که تلفن همراهش را در اختیار پسر کوچکش قرار داده تا آن‌ها از بازی کند و حوصله‌اش سر نرود، سؤالم را می‌پرسم می‌گوید: من حتی حوصله تماام برای فرزندم کتاب داستان بخوانم. کتاب خواندن برای خودم پیشکش. تنها ملاعام در طول روز خواندن همین مطالب کانال‌های تلگرامی و صفحات آشپزی در اینستاگرام است. حوصله کتاب را هم تنارم چون متن‌ها غم زیاد است و کتاب‌ها متن‌های طولانی دارند.

او ادامه می‌دهد: امروز، همه ما عادت کرده‌ایم پیام را در کمترین حجم و زمان ممکن دریافت کنیم. ماشینی شدن زندگی و سرعت تحولات، باعث شده از کارهای وقت‌گیر پرهیز کنیم. به همین دلیل کتاب هم متل بقیه چیزهای وقت‌گیر خودبه‌خود از گردونه زندگی ما خارج می‌شود. شما هاگاه کنید، برای تناسب‌اندام چقدر رژیم‌های غذایی و ورزش هست اما همه اگر بضاعت مالی داشته باشند، همان اول سراغ جراحی می‌روند تا اینکه چند ماه بیارای یک رژیم وقت بگذارند.

قرهنگ‌سازی به‌جای تبلیغ

دراین‌باره، با میلاد متشایخی، روانشناس بالینی و آسیب‌شناس مباحث فرهنگی تیز گفتوگو می‌کنم. او معتقد است کتاب‌خوانی از آن دسته فعالیت‌هایی است، که به‌هیچ‌عنوان نمی‌توان با تبلیغات، آحاد جامعه را تسیب به آن ترغیب کرد بلکه این یک فرهنگ تهادینه‌شده است که از سن ۱۰ سالگی در درون افراد شکل می‌گیرد و بتابراین نمی‌توان انتظار داشت که پخش تبلیغ تلویزیونی کتاب‌خوانی، مردم را کتاب‌خوان کند. او تأکید می‌کند که برای این کار به انگیزه تیاز است. چراکه انگیزه ماتحرک یک موتور حرکت، فرد را به مطالعه وامی‌دارد و می‌گوید: در تبلیغات کتاب‌خوانی، معمولاً خود کتاب تبلیغ می‌شود درصورتی که که باید پیش‌فرض‌ها و انگیزه‌های خواننده آن تبلیغ شود.

متشایخی ادامه می‌دهد: مردم ما به خاطر شرایط اقتصادی و اجتماعی حاکم، خرید کتاب را در اولویت قرار نمی‌دهند و تأمین تیازهای سطح یک متل خوراک، پوشاک و مسکن برایشان اولویت بالاتری دارد. البته نمی‌توان گفت که مطالعه‌نکردن صرفاً به خاطر گرانی کتاب است. چون حتی در بین مرفهین هم دیده می‌شود که کتاب اولویت آخر آن‌هاست. با این تفاوت که برای آن‌ها خرید اجناس لوکس در صدر خواسته‌ها قرار دارد نه تأمین تیازهای اولیه. درواقع، تصور اینکه مردم با رسیدن به سطحی از رفاه، کتاب‌خوان می‌شوند تصوری غلط است.

اهمال کاری یا بی‌حوصلگی؟

این روانشناسی بالینی خاطرنشان می‌کند: در روانشناسی چیزی به نام بی‌حوصلگی وجود ندارد بلکه به آن اهمال کاری گفته می‌شود. اهمال کاری، همان پس و پیش کردن تیازهاست. ماتیازهایمان را به تمویق می‌اندازیم و کتاب‌خوانی را در اولویت آخر قرار می‌دهیم. دلیل آن هم این است که مطالعه برایمان جذابیت ندارد. فردی که با خواندن کتاب به دلایل مختلفی از تقطه الف به تقطه ب نمی‌رسد، ترجیح می‌دهد کتاب نخواند. او با اشاره به اینکه اغلب مردم دوست دارند دیگران برایشان فکر کنند، تأ خودشان، می‌گوید: حتماً دیدید افرادی را که می‌گویند مشکل عاطفی دارم اما حاضر نیستند کتابی درباره مهارت‌های زندگی بخرند و بخوانند و متکلشان را با همسرشان برطرف کنند. در عوض به فالگیر پول می‌دهند تا او برایشان چارهای بیندیشد.

متأسفانه این فرهنگ بی‌میلی به تفکر، از سالیان گذشته در کشور ما بوده و مردم ترجیح می‌دهند یک نفر دیگر کتاب بخواند و به جایشان فکر کند تا اینکه خودشان این کار را انجام بدهند.

نقش آموزش‌وپرورش در تبدیل‌شدن کتاب به ابزار

این کارشناس امور تربیتی، با بیان اینکه مقصر اصلی بی‌حوصلگی مردم برای مطالعه، تهاد آموزش‌وپرورش است، می‌گوید: آموزش پرورش زشت‌ترین جلوه کتاب را به دانش‌آموزان ارائه می‌کند و زشت‌ترین جلوه کتاب این است که از کتاب استفاده ابزاری شود. یعنی می‌گوید این کتاب را مطالعه کن تا بتوانی تمره بگیری. آموزش‌وپرورش هیچوقت این رویکرد را پیشه نکرده که به دانش‌آموز بگوید کتاب را بخوان تا از آن لذت ببری.

متشایخی ادامه می‌دهد: همین کتاب‌های درسی دهه شصت که الان به‌صورت توستالژی درآمده و به فروش می‌رسد، زمان تحصیل هر یک از دهه شصتی‌ها، متفورترین چیز بوده اما الان با شوق آن را می‌خرند چون دیگر فرار تیست از آن استفاده‌ابزاری داشته باشند.

این مدرس دانشگاه تأکید می‌کند: آموزش‌وپرورش، هیچوقت نخواسته که مردم ما از مطالعه کتاب لذت ببرند. این تهاد همیشه از کتاب‌ها استفاده‌ابزاری کرده و متأسفانه دانشگاه هم از آموزش‌وپرورش در استفاده‌ابزاری از کتاب بدتر عمل کرده است. دانشگاه ما ادامه‌دهنده راه مدرسه است چون با ورود استاد به کلاس، اولین سؤالی که از او پرسیده می‌شود درباره این است که برای امتحان چه کتابی میتا قرار دارد.

او با بیان اینکه مطالعه دانشجو چه‌باز از مطالعه یک دانش‌آموز هم کمتر است، دلیل آن را این‌گونه شرح می‌دهد: دانشجویان ما برای پاس شدن واحدهای درسی، به‌جای مطالعه کتاب، جزوه مطالعه می‌کنند. دانشجویی را می‌شناسم که سال چهارم است اما در طول دوران تحصیلش حتی یک کتاب مرجع روانشناسی را هم نخوانده!

متشایخی، بحث روانشناسی کتاب‌خوانی را بحث پیچیده‌ای می‌داند و می‌گوید: اگر بتوانیم ادامه می‌دهد: آن‌ها به کتاب پناه می‌برند و با آن آرامش می‌گیرند چون مهم است که یک فرد یاد گرفته باشد یا دیاریام خودش را آرام کند یا با کتاب.

او تأکید می‌کند: در کشور ما کتاب یک کالای لوکس به شمار می‌رود و به همین دلیل در سبد مصرف خانواده جایی ندارد. این تیز درست تیست که آن‌ها اگر بتوانند و ما اگر طرف دیگر بگوییم کتاب بخوان، در کشورهای درجه سوم اروپایی دولت، برای خرید کتاب به مردم یارانه می‌دهد و انتخاب کتاب با خود فرد است اما در ایران فقط کتاب‌های باصطلاح فرمایشی را می‌توان باسهولت تهیه کرد.

این آسیب‌شناس فرهنگی با بیان اینکه شخصی تگری در چاپ و نتشر ایران موج می‌زند ادامه می‌دهد: ملاک کتابخانه‌های سراسر کشور برای عمومی یا تخصصی قلمداد کردن یک کتاب، تظر شخصی مدیر آن کتابخانه است، درحالی که تباید چنین باشد.

متشایخی یادآور می‌شود: مردم به کار فرمایشی تمایل ندارند به همین دلیل در امر مطالعه تباید فرمایشی برخورد کرد. در ایستگاه‌های کتاب‌تیز، متأسفانه فقط سلیقه ۱۰ درصد از مردم لحاظ می‌شود. به همین دلیل چنین طرح‌هایی برای آن‌ها جاذب‌تیست.

بر اساس آخرین آمار تهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، سرانه مطالعه هر ایرانی ۷۵ دقیقه و ۲۴ ثانیه در روز است که از این میزان، ۱۵ دقیقه و ۱۷ ثانیه به خواندن کتاب، ۲۱ دقیقه و ۳۱ ثانیه به قرآن و ادعیه، ۳۲ دقیقه و ۳۶ ثانیه به روزنامه و پنج دقیقه و ۴۲ ثانیه به تشریه‌خوانی اختصاص دارد.

بریده جراید

خانم‌ها؛ مقدم تان گلباران

ایران: مهدی ملکی- «آزادی» پنجشنبه گذشته «خلودگی» نبود اما دیگر صرفا «مردانه» هم نبود. همین تفاوت به ظاهر ساده روزی به یادماندنی و تاریخی برای فوتبال ایران رقم زد. ورزشگاه آزادی در این روز، رنگ دیگری داشت و فوتبال ایران، شکل دیگری بود. در روزی که استقبال چندان زیادی از بازی نشده بود و از طریق اسکوربرد ورزشگاه اعلام شد که تعداد هواداران ۱۵ هزار و ۸۲۳ نفر است، حدود یک سوم جمعیت حاضر را زنانی تشکیل می‌دادند که پدید آورنده شور و حال خاصی بودند و حتی برای یک دقیقه هم دست از تشویق و هیاهو نکشیدند. هر کامیک (واژگشتی) در فوتبال ایران دیده‌اید و به یاد دارید را فراموش کنید و کامیک زنان به ورزشگاه آزادی را به خاطر بسپارید. این برگی ویژه و جذاب از دفتر فطور فوتبال ایران است. زنان آغشته برای رسیدن به ورزشگاه و برداشته شدن نایلو «ورود ممنوع» منتظر مانده بودند که برای تماشای اولین گل و برگزاری افتتاحیه شادی‌شان، صبر و حوصله زیادی نداشته باشند. احتمالاً ملی پوشان هم این موضوع را بخوبی می‌دانستند و برای همین از دقیقه ۴ به صورت رسمی، جشن و گلباران را آغاز کردند. تیم مرگبار و تهاجمی مارک ویلموتس که این بار انگیزه‌ای مضاعف به واسطه حضور زنان و رقم زدن روزی خاص و بزرگ برای آنها داشت. تنها چند دقیقه بعد او به صدا در آمدن سوت آغاز بازی باعث شد رقص پرچم سه رنگ ایران و «لهله و شادی زنان» قضایی دیده نشده و تجربه‌ای نوپرانه در ورزشگاه آزادی رقم بزند. می‌توان این گل‌ها را به زنان ایرانی تقدیم کرد؛ چه آنهایی که در ورزشگاه بودند و چه آنهایی که نبودند. به نظر می‌رسد با همین دیدگاه و ذهنیت بود که مسعود شجاعی کاپیتان محبوب تیم ملی، باعث شکل گیری زیباترین صحنه آزادی در روز پنجشنبه شد. او بازیکنان را به سمت هواداران خاص برد و باعث شد قضای مجازی پر شود از پست‌ها و اظهار نظرهای احساسی. خیلی از دختران و زنان با اشاره به این صحنه نوشتند که از قرط شادی و حس خوب، بغض کرده‌اند.

هرچند در بازی تیم ملی ایران مقابل کامبوج تعداد زنان کم و محدود بود، هرچند تعداد بلیت فروخته شده متناسب با تقاضا نبود اما در ورزشگاه و حتی فضای مجازی، نشانه‌های مهم و قابل توجهی از شادی، هلهله و حس خوب وجود داشت. تمام این اتفاقات، اظهار نظرهای مسئولان بعد از بازی و بازتاب‌های جهانی این موضوع ثابت کرد «هیلو دارم» شعاری است که باید گوشه ذهن‌مان حک شود و حتی تابعای قرامونشش نکنیم. با همین شعار ساده و عمل به آن، می‌توان بلندترین و دست‌نیافتنی‌ترین قله‌ها را فتح کرد. این اولین و آخرین بازی رسمی تیم ملی فوتبال ایران در سال ۹۸ بود که زنان هم در آن نقش آفرینی کردند. حالا می‌توان سراغ تاز بعدی این اتفاق و گام ویژه رفت. چه بسا که قیمتا هم بیانیه‌های اخیر خود روی این مهم تأکید ویژه‌ای داشته است. در واقع درهای ورزشگاه آزادی و دیگر ورزشگاه‌ها باید در تمام بازی‌ها (چه ملی و چه باشگاهی) به روی زنان باز باشد. قاطمه هاشمی که برای تماشای دیدار ایران و کامبوج در ورزشگاه آزادی حاضر شده بود، گفت: «اتفاق بزرگی با حضور زنان در ورزشگاه آزادی رخ داد و این اتفاق نشان دهنده این است که تا حالا اشتباه می‌کردیم.»

سپهر سپهری

اعتماد: غلامرضا امامی- از سال‌های دور و دور اولین دیدارم را با سهراب سپهری به یاد می‌آورم؛ قامت قلمی نکیده و انبوه مویی مشکی که بر سینا و سر داشت. تعابیتی هندی به یامی کرد. در جمع ما که شب بلندایی بود آمد و به آرامی نشست. کم سخن می‌گفت و بیشتر شنونده بود. اما گویی با چشمان سیاه معصومش، این بچه کویر کاشان، می‌شنید و سخن می‌گفت. سهراب سپهری با وجود همه دشواری‌های روز گار ما را، خویش رقت. همیشه‌ام همچون «کویر» و قهرمان داستان زیبای ایتالو کالوینو «اگر شبی از شبهای زمستان مسافری.» می‌بینم بر بالای درخت زندگی نشسته- رو به آسمان. همهمه رهگذران او را نمی‌آزارد در دنیایی دیگر سیر می‌کند از زمین سبزه آسمان آبی؛ گویی در جان نجیب او خورشید اشراق دمیده و عرفان شرقی جلوه‌گر شده است.

سهراب شیفته شرق بود و بیش از همه شیفته ژاپن و هند. به این دو سرزمین سفرها کرد و جا پای رازآلود عرفان هندی و راز و رمز اندیشه ژاپنی در شعرها و نقش‌هایش نمایان بود. زاده کاشان که در خاندانی هنردوست رشد کرد و بالید اما در کاشان نماند. به آن خاک پاک عشق می‌ورزید. هرگز ریشه خویش را از یاد نبرد و می‌سرود: «به کاشانم. به حقیقت سهراب سفر خویش را در آسمان هنر با دو بال آغاز کرد. شعر و نقاشی. هر چند که سرودهایش بیش از نقاشی‌هایش اقبال عام یافته است. شاید از این رو که نقاشی چه در روزگار کهن و چه در دوران ما بیشتر با دیدگان تیزبین نخبگان سر و کار دارد.

به روزگار سهراب طنزنماها و تیرهای کلامی او را از سیر و سفرش بازنداشت. شاملو به او سخت تاخت و براهمنی او را بچه بوهای اشراقی خواند. این سخنان را به دل نگرفت. راه خویش رقت و کار خویش کرد و از این رو چه در زمان حیات کوتاهش و چه پس از آن اقبال عام یافت.

من بارها به کاشان رفتم و در آن خاک عجیب شگفتی‌ها دیده‌ام؛ گویی کویر تخیل را برمی‌انگیزاند و افق و دیدرا گسترده‌تر می‌سازد.

بگذارید اعتراف کنم من از میان شاعران کهن گذشته از نام‌آوران ادب فارسی به «صائب تبریزی» و «بیدل هندی» سخت دل بسته‌ام این هر دو شاعر را از گزیدگان سبک هندی می‌خوانند و در سروده‌های هر دو چه زبان رسا چه تخیل شگفت و چه تصویرهای زیبا موج می‌زند گویی سهراب یلی زده است از سبک هندی، از صائب تبریزی و بیدل هندی. به روزگار ما سهراب نخست صادق بود با خودش و با مردمش و صمیمیتی که در گفتار و کردار و نوشتار داشت سبب شد که هم در زمان زندگی‌اش و هم پس از آن خوش برخدند.

نخستین دیدار را گفتم، آخرین دیدار در مشهد اردهال بود. در امامزاده‌ای که با دوستان رفتیم. بر سنگی در گذر رهگذران سهراب آرام در خاک کاشان خفته بود و این سروده بر مزارش نقش بسته بود:

به سراغ من اگر می‌آیید
نرم و آهسته بیایید
مبادا که ترک بردارد
چینی نازک تنهایی من

درباره سهراب درشت سخن نگوییم، با او مهربان باشیم. بگذاریم در خواب آرامش ما را در رویاهای شیرینش سهیم کند. بگذاریم که نشکند دل نازک او.

کشف استعداد و انتخاب بازیگر برای فیلم سینمایی بهار دختر حاج اویس

ورکشاپ بازیگری جلوی دوربین
۶ ساعت آموزش بازیگری
با اعطای مدرک
تعداد ثبت نام و دوره محدود
با حضور
نرم جمشیدی (کارگردان و مدرس بازیگری)
اسلام نوید اسماعیلی (بازیگر سینما و تئاتر)
جهت ثبت نام و کسب اطلاعات
با شماره های زیر تماس حاصل فرمائید:
۰۷۶ - ۳۴۴۰ ۵۷۵۰
۰۹۱۲ - ۸۴۴ ۰۱۱۷
۰۹۲۲ - ۱۵۱ ۲۰۵۵
www.simorghalborz.ir simorgh_allborz
۲۰٪ تخفیف به دانشجویان رشته هنر و خانواده های شهدا